

نام نویسنده: ولادیمیر ولادیمیروویچ، گالیسین¹
نام کتاب: دولتهای محاط در خشکه و حقوق بین الملل دریاها
نشر: روابط بین المللی، مسکو، ۱۹۷۸
برگرداننده: عید محمد عزیزپور

پیشگفتار

اقیانوس جهانی² جایگاه مهم در زندگی بشر دارد. راههای
بنیادین ترابری (ترانسپورتی) که پیوند میان کشورها و قاره ها

¹ نویسنده این کتاب یکی از حقوقدانان نامور روسیه است. او تا کنون در زمینه حقوق
بین الملل دریاها سه کتاب و بیش از ۳۰ مقاله علمی به نشر رسانیده است. آقای
گالیسین از اکتوبر سال ۲۰۱۴ بدین سو، رییس دادگاه بین المللی حقوق دریاها
(ITLOS) در هامبورگ است (۲۰۱۵). چون این کتاب پیش از تصویب پیماننامه سال
۱۹۸۲ ملل متحد درباره حقوق دریاها نشر شده است، مترجم این اثر، آگهی های بایسته
را که پس از نشر این کتاب رخ داده است، در پانویشت ها خواهد افزود. آگهی های
مترجم با حرف (م) در میان دوکمان نموده شده است. پانویشت ها و آگهی های دیگر در
کتاب که بدون حرف (م) است، از نویسنده کتاب می باشد.

² اقیانوس را می توان به زبان فارسی ژرف دریا، دریابار، پهناب و یا ابردریا نام
گذاشت. چنانچه نظامی گنجوی اقیانوس را «ژرف دریا» خوانده است.

به این شعر نظامی گنجوی بنگرید:

در آن «ژرف دریا» شگفتی بماند

که یونانیش اوقیانوس خواند. (نظامی).

اقیانوس، عربی شده واژه «Ocean»، نامی است که یونانیان باستان و اروپاییان به
بحر محیط اطلاق میکنند. عرب این نام را پذیرفته و عربی ساخته اند. به این اسم آن
مقدار آبی را که سه چهارم از کره زمین یعنی ۳۷۴ میلیون کیلومتر مربع را احاطه
کرده است، می نامند.

(خشکسار ها) را فراهم می کند، از آنجا می گذرد. امروز در دادوستد و جابجایی کالاها در تراز جهانی نقش بس نمایان از آن ترابری دریایی³ است.

اقیانوس جهانی سرچشمه خوراک بشر است. از روی برآوردها، باروری زیست شناسیگ اقیانوس ها، از ۱۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد تن، اندام گان زنده در سال است.

سرانجام، اقیانوس جهانی، یک انبار بزرگی دارایی های کانی (معدنی) است که پایه صنعت امروزین را می سازد. از روی برآوردهای که در دسترس است، ۲۶ درصد ذخیره های کاویده شده نفت در زیر دریاها و ته اقیانوسها جاگرفته است و به گونه ای که کارشناسان پیشبینی می کنند، مقدار نفت و گاز بارها بیشتر از آنچه که تا کنون در خشکه پیدا شده است، در

واژه اوقیانوس از زبان عربی به فارسی راه یافته که برابر آن را می توان به فارسی ژرف دریا (نظامی گنجوی)، دریابار، پهناب و یا ابردریا گذاشت. اوقیانوس در دانش جغرافیا یا گیتاشناسی در برابر قاره (خشکسار) قرار دارد. (م)

³ در افغانستان و تاجکستان دریا به معنای رودخانه و رود (یا نهر) به کار برده می شود. باید یادآور شد که واژه «دریا» در حقوق بین الملل عمومی بمعنای رود یا رودخانه نیست بلکه به معنای بحر (در زبان عربی) است. در ادبیات فارسی نیز دریا بیشتر بمعنای بحر بکار رفته است تا نهر (رود)، ولی ما در کشور خویش آن را به معنای رود نیز به کار می بریم. درین نوشته دریا به معنای بحر است، نه نهر. ده ها گفتاورد را برای تایید این گفته، از بزرگان زبان فارسی می توان گواه آورد. مانند این شعر حافظ:

به دریا مرو گفتمت زنهار

اگر می روی دل به توفان سپار. (م)

اقیانوسها و دریاها، یافت خواهد شد. کارشناسان همچنان، تایید می کنند که سنگالهای⁴ آمیخته با آهن و پوتاسیم پرمنگنات که در ژرفناهای مختلف پهناب جاگرفته است، دست کم به همان اندازه انباشته های مس و نیکل را در خود دارند که تا کنون در بخش خشکۀ زمین به دست آمده است.

پرسمانهای بهره برداری از اقیانوس جهانی و پرسشهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی پدیدآمده از آن، به گونه گسترده در روزگار پسین در گردهمای ها، نشستها، همسگالی های بین المللی⁵ و نیز، در چوکات گفتگوهای دو جانبه، به بررسی گرفته شده است.⁶

⁴ سنگال (سنگ+پسوند ال)، (concretion)، توده یا سنگی غیرآلی که در حفره های طبیعی بدن یا در بافت ها تشکیل می شود [زمین شناسی] انبوه های از مواد کانایی فشرده و سخت، معمولاً نیم کروی، با ترکیبی متفاوت با سنگ میزبان رسوبی یا آتشفشانی (برگرفته از فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی). (م)

⁵ این واژه از بخش های «هم+سگال+ی» ساخته شده است و برابر نهاده (Symposium) فرنگی است. کارواژه سگالیدن به معنای رای زدن، مشورت کردن است. همسگالی یعنی باهم مشوره کردن و رایزنی کردن است. به نمونه های زیر نیک بنگرید:

همه کار با مرد دانا سگال
برنج تن از پادشاهی منال
فردوسی

سگالیده ام دوش با پنج یار
که از تارک او برآرم دمار
فردوسی

گر نهمتی سگالی و اندیشه ای کنی

درین نشستها یا مرکه⁷ های بین المللی بارها یادآوری شده است که کشورهای محاط در خشکه، بنابر وضعیت ویژه شان برای حق دسترسی خویش به دریا و برگشت از آن، دشواریهایی دارند، و نیز، در باره نیازمندی این کشورها در فراهم سازی حقوق برابر با کشورهای ساحلی در رابطه با جستجو و بیرون آوری ذخیره های اقیانوس های جهانی، پرسشهای مطرح است.

در سند پایانی گرهمایی امنیت و همکاری در اروپا، به اهمیت بهسازی همکاریهای گسترده بین المللی در همه بخشها، به شمول پژوهش و بهره برداری از اقیانوس جهانی و رشد ترابری، بر بنیاد برابری حقوق و عدم تبعیض، به گونه خاص تاکید شده است.

«دولتهای محاط در خشکه» آن کشورهای اند که دارای ساحل دریایی نیستند و دسترسی سراسر است به دریاها و اقیانوس های جهان ندارند.

گیتی همان سگالد گردون همان کند. (م)

⁶ См. О. Н. Хлестов, проблемы международно- правовые проблемы Мирового океана, «международная жизнь», 1973 г., No 2

⁷ واژه یی «مرکه» در برابر (Forum) فرنگی به کار رفته است. مرکه به زبان دری و پشتو یعنی نشست سران قوم یا روستا برای بررسی و حل مشکلاتی یک قوم (یا قوم ها با همدیگر) یا یک روستا (یا روستاها میان هم). این واژه در افغانستان، کاربرد گسترده دارد. (م)

کشورهای یاد شده در نوشته های حقوقی شوروی و خارجی
به نامهای زیر یاد میشوند:

«کشورهای بدون راه به دریا»، «دولت های درونقاره یی»،
«کشورهای بدون ساحل دریایی»، «دولت های قاره یی»،
«دولت های بی ساحل»، «کشور های محصور در دولتهای
دیگر»، «دولتهای مسدود» و «دولتهای مغفول».

اما اصطلاح های «دولتهای محاط در خشکه» و «کشورهای
بدون راه به دریا»⁸ بیشتر از دیگر نام ها کاربرد دارند.

در جهان ۳۰ کشور⁹ کشورهای محاط در خشکه شماریده می
شوند که از جمله، چهارکشور در آسیا اند: افغانستان، لاوس،
مغلیستان و نیپال؛ چهارده کشور در افریقا اند: بوتسوانا،

⁸ هرچند اصطلاح «کشور بدون راه به دریا» کاربرد گسترده دارد، اما نمی توان این
زبانزد را درین باره شایسته دانست، زیرا برخی از کشورهای محاط در خشکه، به
گونه نمونه مجارستان و پاراگوای، از راه رودخانه های بین المللی، به دریاها راه
دارند.

⁹ این کتاب در سال ۱۹۸۷ ترسایی چاپ شده است. در آن زمان شمار کشورهای محاط
در خشکه ۳۰ تا بود. اکنون سال ۲۰۱۵ ترسایی گروه کشورهای محاط در خشکه به ۴۵
کشور می رسد که اینها اند: افغانستان، اندورا، ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بلاروس،
بوتان، بولیویا، بوتسوانا، بورکینه فاسو، برونندی، جمهوری افریقای مرکزی، چاد،
جمهوری چک، ایتوپیا (حبشه)، مجارستان (هنگری)، قزاقستان، کوسوو، قرغیزستان،
لاوس، لسوتو، لیختنشتاین، لوکزامبورگ، مقدونیا، مالاوی، مالی، ملاوایا، مغلیستان،
نیپال، نیجر، پاراگوای، رواندا، سن مورینا، سربستان، سلواکیا، سوازیلند، سوئیس،
تاجکستان، ترکمنستان، اوگاندا، ازبکستان، واتیکان، زمبیا، زیمبابوی. پانزده کشور در
سالهای پسین، در پیابند دگردیسی های ده های اخیر در تراز بین المللی پدید آمده اند. م

بوروندی، ولتای بالا، زمبیا، لوسوتو، مالاویا، مالی، نیجر،
رواندا، سوازیلند، اوگاندا، جمهوری افریقای مرکزی، چاد،
رودیزیایی جنوبی؛ ده کشور در اروپا اند: اتریش، اندورا،
واتیکان، جمهوری توده‌یی مجارستان (سابق)، لوکزامبورگ،
لیختنشتین، موناکو، سان مورینا، جمهوری سوسیالیستی
چکوسلواکیا، سوئیس. دو کشور در امریکای لاتین اند: بولیویا
و پاراگوای.

از میان کشورهای محاط در خشکه، گروه خاصی را
کشورهای کهن (کهاکشورها) یا ریزه دولتها می‌سازند: اندورا،
لیختنشتین، موناکو، سان مورینا. این کهاکشورها یا ریزه
دولتها در حالت وابستگی کامل اقتصادی و سیاسی با دولتهای
همسایه‌ی توانمند خویش قرار دارند و مشکل نبود راه به دریا که
گریبانگیر بسیاری از کشورهای دیگر محاط در خشکه است،
به این کشورها تاثیر بس اندک دارد.

کشورهای محاط در خشکه از نگاه‌های اجتماعی - سیاسی و
فرهنگی از هم بس متفاوت اند و در رده‌های ناهمگون رشد
اقتصادی جا دارند؛ آنان در چهار قاره (خشکسار) واقع اند و
در منطقه‌های مختلف اقلیمی موقعیت دارند. در واقعیت، تنها
نداشتن ساحل دریایی وجه مشترک این کشورها است. همانا
این وضعیت یعنی نداشتن راه به دریا، کشورهای محاط
در خشکه را در برابر انبوه از مشکلهای همسان قرار داده که
باید حل شود:

نخست اینکه، کشورهای محاط در خشکه، ساحل دریایی نداشته، برای رسیدن به دریا ناگزیر اند از سرزمین کشور همسایه ساحلدار خویش استفاده کنند. از همین رو، آنها در آماده سازی هنجارهای حقوق بین الملل که دستیابی آنان را به دریا، پشتیبانی و تضمین کند، دلبستگی دارند.

دوم اینکه، کشورهای محاط در خشکه، به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی خویش، در حل دشواری های همچون، تعیین حدود حوزه ی قضایی دولت ساحلی، تهیه رژیم (هنجارگان) حقوقی و سازوکار¹⁰ بهره برداری از منابع زیردریایی، بیرون از محدوده فلات قاره، نیازمند دفاع از سوی حقوق بین الملل می باشند.

در این اثر سرشت و ویژگی های حقوق کشورهای محاط در خشکه در رابطه با بهره برداری از پهناب جهانی بررسی می شود، توافقنامه های دوجانبه و چندجانبه درین زمینه، واکاوی می گردد، گامهای تکمیلی چندی که دارای منش حقوقی اند و می توانند برای دفاع از منفعت های کشورهای محاط در خشکه به کار گرفته شوند، پیشنهاد می گردد.

¹⁰ سازوکار یعنی میکانیزم (م)